



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹، تلفن اگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز -تلفن: ۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب -تلفن: ۴۴۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۸ اذان مغرب ۲۰:۰۰ اذان صبح فردا ۴:۵۵ طلوع آفتاب ۶:۲۶

نگاه

کودتای ۲۸ مرداد ز مینه ساز سقوط سلسله پهلوی



هوشنگ ماهرویان

■ کودتای ۲۸ مرداد بزرگ‌ترین اثر خود را بر روشنفکری ایران گذاشت. این را دیگر امری مسلم کرد که رژیم شاه اصلاح‌ناپذیر است. بعد از جنگ جهانی دوم بود که با همسایه شوروی بخشی از اروپا به اشغال شوروی‌ها درآمده بود و تازه روس‌های کمونیست آرزوی تزارهای قرن ۱۹ را به ارث برده بودند! آرزوی رسیدن به آب‌های گرم خلیج‌فارس. مصدق چه باید می‌کرد؟ آیا باید به حزب توده نزدیک می‌شد و چپ‌تر می‌زد، یا به دربار نزدیک می‌شد و از ترس شاه از حزب توده و شوروی‌ها می‌کاست. حزب توده سازمان نظامی هم داشت. یعنی اینکه قصد تسخیر قدرت را کرده بود و این قبل از کشف شبکه سازمان نظامی حزب برای نیروهای امنیتی روشن بود. به هر شکل کودتای ۲۸ مرداد عملی شد. سران حزب توده بخشی قرار کردند، بخشی دستگیر و اعدام شدند و بخشی، مجله عبرت را درآوردند، توبه کردند و آزاد شدند. یزدی و بهرامی که از سران حزب توده بودند راه سوم را برگزیدند و آزاد شدند. افسران حزب توده هم بخشی همچون سرهنگ سیامک اعدام و بخشی هم زندانی شدند که حتی بعضی از آنها همچون عمومی و شلتوکی بعد از بیست و چند سال زندان کشیدن در وقایع انقلاب ۵۷ از زندان آزاد شدند.

اما بعد از ۲۸ مرداد شرایطی پیش آمده بود که آن شرایط را می‌توان در ادبیات ایران مطالعه کرد. بالاخص شعر ایران گویای وضع روشنفکری ایران است. چه شعرها که برای واپران‌ها و سیامک‌ها گفته نشد و این شرایط بود که مجموعه‌ای شد دست به دست هم داده که بعد از هشت سال با آمدن دموکرات‌ها در آمریکا بر سر کار باز شعار اصلاحات داده شد به وسیله حکومتی که کودتای ۲۸ مرداد را سازمان‌دهی کرده بود. حکومتی که فاطمی‌ها را اعدام کرده بود. آیا چنین حکومتی توان اصلاحات را داشت پس برای اصلاحات هم شعار انقلاب شاه و مردم می‌داد تا در دل‌ها بنشیند و باز در دل‌ها نمی‌نشست و در اصلاحات رادیکال‌تر می‌شد و باز نتیجه نمی‌داد.

۲۸ مرداد و سرکوب‌ها و اعدام‌ها در خاطرها مانده بود و امر اصلاحات را امری سخت و پیچیده کرده بود. شاه و دربار در پی یافتن باور مردم به خود بودند و باوری نمی‌یافتند. در صورتی که مصمم شده بودند تا روابط ارثی در ایران را دگرگون کنند و کردند. مصمم بودند تا-اخ و مالک را در روستاها از بین ببرند و روابلی تازه برقرار کنند و باز در باورها جایی نمی‌یافتند و تازه با این رادیکالیسم در روستاها، کشاورزی را هم به نابودی کشاندند. دیگر درختی در روستا کاشته نشد. مهاجرت از روستاها به شهرها گسترش یافت و خوش‌نشین‌های روستا که زمینی به آنها در اصلاحات ارثی نرسیده بود کپرنشینان اطراف شهر شدند. حاشیه‌نشینانی که جایی در روابط شهری نداشتند از روستا بریده و در شهر آواره بودند و بی‌از، باوری به رژیم و دربار نبود که نبود. کودتای ۲۸ مرداد و اعدام‌ها کار خود را کرده و رژیم از اصلاح ناپذیر معرفی کرده بود. باید ذهن مردم و روشنفکران را عوض می‌کرد و بتوان چنین عملی را نداشت. پس کودتای ۲۸ مرداد زمینه سقوط سلسله پهلوی را هم فراهم کرده بود.

مصدق بر لبه طوفانی راه می‌رفت که هر دم خطر سقوط به یک طرف بود. اگر به حزب توده نزدیک می‌شد خطر شوروی را می‌دید و اگر به دربار نزدیک می‌شد حمایت مردمی خود را از دست می‌داد. شرایط بغرنج‌تر از آن بود که به تصور درآید. دربار باید می‌گذاشت مصدق طنساب بازی خود را بکند. با کودتای ۲۸ مرداد طناب را قطع کرد و این آغاز بحران در حکومت پهلوی دوم شد.

خبر آخر

همزمان با شب‌های قدر موزه موسیقی تعطیل خواهد بود

■ شرق: موزه موسیقی در روزهای ۱۹ و ۲۱ رمضان همزمان با شب‌های قدر و ایام سوگواری مولی‌الموحدين حضرت علی(ع) تعطیل است. علاقه‌مندان در روزهای دیگر می‌توانند به این موزه واقع در میدان تجریش - خیابان شهید درندی-کوچه نمازی - پلاک۷ مراجعه و از موزه بازدید کنند.

نشان درجه یک هنری اکو بر سینه استادامیر خانی

■ شرق: اولین نشان درجه یک هنری موسسه فرهنگی اکو به دو نفر از استادان برجسته خوشنویسی ایران و ترکیه اهدا شد. سهندیه شب طی مراسمی با حضور بلند آرتیج، معاون نخست‌وزیر ترکیه، خالد ارن، رئیس مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی ترکیه (سازمان ارسیکا) و جنتاله اویوبی، رئیس موسسه فرهنگی اکو، اولین نشان درجه یک هنری این موسسه به پاس یک عمر تلاش بی‌شایبه و موثر در عرصه هنر خوشنویسی به استاد غلامحسین امیرخانی از کشور ایران و استاد حسن چلبی از کشور ترکیه اهدا شد.

شتر

پوریا بسوری: دوباره ۲۸ مردادی دیگر فرا رسید، ۵۸ سال از روز سیاه کودتا می‌گذرد اما زخم‌هایی هنوز بازمانده که مثل خوره روح را آهسته‌آهسته در انزوا و مدام به مدام در میان جمع می‌خورد و می‌تراشد. هنوز روایتگران از آن کودتا روایت‌ها در سینه دارند و هنوز که هنوز است تلفظ هجابه‌جایی «کودتای ۲۸ مرداد» و نام «دکتر محمد مصدق» یادآور شکست شاعران عاصی و مطلع شعری تازه است. در این میان سوال‌ها هنوز بی‌شمارند و جواب‌ها ناکافی، هنوز این سوال مهم و معماگونه وجود دارد که به راستی دلایل و عوامل شکست دولت ملی دکتر مصدق چیست و کیست و آیا خود دکتر مصدق هم در این شکست تاریخی نقشی داشته و مقصر محسوب می‌شود؟ نظر شما در این خصوص چیست؟



واشکافی معمای شکست، ۵۸ سال پس از کودتا

به هیچ‌وجه تفسیری متوجه دکتر مصدق نبود و تمام برنامه‌ریزی‌ها برای سقوط دولت ملی ایران را محمدرضا شاه پهلوی برعهده داشت. شاه به هیچ‌وجه زیر بار ملی شدن صنعت نفت نمی‌رفت و وقتی در عمل انجام شده قرار گرفت شروع به توطئه‌چینی‌های مختلفی کرد که بتواند دولت قانونی و ملی دکتر مصدق را ساقط کند. نخستین گام در دادگاه لاهه بود که فکر می‌کرد می‌تواند توفیق پیدا کند و مصدق را به زیر بکشد اما وقتی در دادگاه لاهه و شورای امنیت به مقصود خود نرسید، تلاش کرد تا در ۳۰ تیر و با آوردن قوام‌السلطنه، مصدق را محو کند. مصدق که در مقابل استعمار انگلستان ایستاده بود و قصد بریدن دست آنها را از کشور داشت در این بزرگاه هم پیروز شد. شاه بیگار ننشست و در ۹ اسفند توطئه‌ای دوباره سامان داد تا دکتر مصدق را ترور کند که موفق نشد. شاه باز هم بیگار ننشست و رئیس شهربانی را کشت تا بگوید در ایران امنیت وجود ندارد. مصدق که دخالت خانواده سلطنتی را در امور کشور بر نمی‌تابید از شاه هم خواست که خانواده سلطنتی کشور را ترک کنند و شاه پس از کشمکش‌های فراوان که به این امر تن داد، نقشه کودتای ۲۸ مرداد را کشید و با همکاری گروه‌های دیگر و کشورهای خارجی آن را به اجرا گذاشت و متأسفانه این بار موفق شد دولت ملی و قانونی دکتر محمد مصدق را ساقط کند.



حسین شاه‌حسینی: از بازماندگان نهضت مقاومت ملی

به هیچ‌وجه تفسیری متوجه دکتر مصدق نبود و تمام برنامه‌ریزی‌ها برای سقوط دولت ملی ایران را محمدرضا شاه پهلوی برعهده داشت. شاه به هیچ‌وجه زیر بار ملی شدن صنعت نفت نمی‌رفت و وقتی در عمل انجام شده قرار گرفت شروع به توطئه‌چینی‌های مختلفی کرد که بتواند دولت قانونی و ملی دکتر مصدق را ساقط کند. نخستین گام در دادگاه لاهه بود که فکر می‌کرد می‌تواند توفیق پیدا کند و مصدق را به زیر بکشد اما وقتی در دادگاه لاهه و شورای امنیت به مقصود خود نرسید، تلاش کرد تا در ۳۰ تیر و با آوردن قوام‌السلطنه، مصدق را محو کند. مصدق که در مقابل استعمار انگلستان ایستاده بود و قصد بریدن دست آنها را از کشور داشت در این بزرگاه هم پیروز شد. شاه بیگار ننشست و در ۹ اسفند توطئه‌ای دوباره سامان داد تا دکتر مصدق را ترور کند که موفق نشد. شاه باز هم بیگار ننشست و رئیس شهربانی را کشت تا بگوید در ایران امنیت وجود ندارد. مصدق که دخالت خانواده سلطنتی را در امور کشور بر نمی‌تابید از شاه هم خواست که خانواده سلطنتی کشور را ترک کنند و شاه پس از کشمکش‌های فراوان که به این امر تن داد، نقشه کودتای ۲۸ مرداد را کشید و با همکاری گروه‌های دیگر و کشورهای خارجی آن را به اجرا گذاشت و متأسفانه این بار موفق شد دولت ملی و قانونی دکتر محمد مصدق را ساقط کند.



محمد بسته‌نگار: فعال ملی و مذهبی

علل کودتای ۲۸ مرداد را باید بعد از قیام ۳۰ تیر بررسی کنیم. بعد از ۳۰ تیر و روی کار آمدن مجدد دکتر مصدق، وی دست به سلسله اصلاحاتی در دهات و شهرهای ایران زد که از آن جمله می‌توان به منع بیگاری کشیدن از رعایا توسط مالکان، انتخاب شهردار توسط مردم، شورایی شدن دوایر دولتی و قانون حداقل حقوق اشاره کرد که مجموع این قوانین موجب خشم مالکان گردن کلفت و خانواده‌های منتفع از آن شد؛ خانواده‌هایی مثل علم‌ها، فاخرها و... در دور دوم که دکتر مصدق تقاضای اختیارات بیشتر کرد همین کسانی که متافع شان در خطر قرار گرفته بود درصدد مبارزه با دولت دکتر مصدق برآمدند و تلاش کردند برخی از طرفداران و اطرافیان دکتر مصدق را نسبت به او بدبین کنند. آنها با عنوان اینکه دکتر مصدق دیکتاتور است، او را متهم کردند و توانستند با این حربه‌ها دکتر بقایی، حسین مکی و از جمله آیتالله کاشانی را مقابل دکتر مصدق قرار دهند. از سوی دیگر در جبهه خارجی هم که مصدق علیه استعمار انگلیس مبارزه می‌کرد و انگلیسی‌ها که می‌خواستند زهر چشمی از دیگر ملت‌های منطقه بگیرند تا آنها به فکر مقابله با استعمار نبینند تمام تلاش خود را معطوف به حذف دولت دکتر مصدق کردند و در همکاری با مالکان و دربار و کسانی که متافع‌شان با اقدامات دکتر مصدق به خطر افتاده بود نطفه دموکراسی را در منطقه خفه کردند و موفق شدند در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت دکتر مصدق را ساقط کنند.



محمدمهدی عبدخدایی: عضو فداییان اسلام

علل شکست دکتر مصدق عدم شناخت ایران و مردم ایران بود و گرنه چه دلیلی داشت که در فاصله ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و در عرض ۱۳ ماه دولت دکتر مصدق سقوط کند؛ دکتر مصدقی که در ۳۰ تیر وزارت دفاع را در اختیار نداشت پیروز می‌شود اما ۱۳ ماه بعد با به خیابان ریختن چند نفر و چند تانک سقوط می‌کند. اشتباهات ایشان در طول ۱۳ ماه منتهی به سقوط، در جایگاه سیاست موازنه منفی و جدا شدن ایشان از دوستان شان مثل آیتالله کاشانی، اسناد مجلس و زمینه‌سازی برای باز گذاشتن دست شاه نسبت به اینکه شاه می‌تواند در نبود مجلس نخست‌وزیر را عزل یا نصب کند زمینه‌ساز کودتا بود. در زمینه روابط خارجی هم عدم حساسیت نسبت به طرح مارشال و پیمان ناتو که برای حفظ سرمایه‌های آمریکایی ایجاد شده بود و عدم آگاهی از اینکه دست آمریکا و انگلیس در یک کاسه است و خوشبینی به آمریکا در اوایل دولتش از اشتباهات ایشان بود. آقای مصدق شاهزاده‌ای بود که غرور کاذب ملی داشت و سایه همین غرور کاذب موجب شده بود ایشان نسبت به مردم شناختی نداشته باشد و همه این اشتباهات سقوط وی را سبب شد. البته در پس همه اینها باید بگویم ایشان به هیچ عنوان خائن نبود و خيانتی مرکب نشد.



علیرضا علوی‌تبار: استاد دانشگاه و فعال سیاسی

به نظر من لفظ مقصر مناسب نیست، ولی می‌شود در این سالگرد از ضعف‌ها و کمبودهایی که زمینه‌ساز کودتای ۲۸مرداد شد ، یاد کنیم. از نگاه من سه کمبود در دولت دکتر مصدق از عوامل مهم کودتا محسوب می‌شود.

- ناتوانی در دستیابی به توافق و سازش داخلی با سایر نیروهای طرفدار ملی شدن نفت
- ناتوانی در سازماندهی یک تشکل منسجم و برنامه‌دار داخلی
- ناتوانی در کاهش فشارهای بین‌المللی با مانورهایی که می‌شد ایجاد کرد و توافق بین‌المللی را علیه دولت دکتر مصدق کاهش داد و از بین برد.

برداشت آخر

بازگشت ۷۰ هزار برگ اسناد مشروطه به ایران

شرق:فرزانه ابراهیم‌زاده: آرشيو سلطنتي بریتانیا نزدیک به ۷۰ هزار برگ از اسناد تاریخ مشروطه ایران را به سازمان کنیابخانه و اسناد ملی ایران باز گردانده است؛ اسنادی که اگر در اختیار پژوهشگران تاریخ معاصر قرار گیرد، می‌تواند وجهه‌ناگفته‌ی زیادی از تاریخ مشروطه را بازگو کند. خبر بازگشت بیش از ۷۰ هزار برگ سند را صبح روز چهارشنبه اسحاق صلاحی، رئیس جدید سازمان کنیابخانه و مرکز اسناد ملی ایران در حاشیه یک نشست خبری اعلام کرد. وی با اعلام این موضوع که فهرست‌نویسی و طبقه‌بندی این اسناد در حال تکمیل شدن است، گفت: «این اسناد متعلق به دهه‌اول قرن بیستم، مصادف با نهضت مشروطه در ایران است و این اسناد برای پژوهشگران ما فرصتی مغتنم است که نگاه بریتانیا را به نهضت مشروطه درک کنند».

رئیس کنیابخانه ملی هیچ توضیح اضافی درباره چگونگی باز پس دادن این اسناد به ایران و اینکه آیا همه این اسناد اصل هستند یا بخشی از آنها تصویری از اسناد هستند، نداده و تنها به این نکته بسنده کرده که این اسناد در تبادل میان محققان داخلی، کنیابخانه و آرشيو ملی بریتانیا برگردانده شده است؛ تبادلاتی که امری مرسوم است. براساس اطلاعاتی که صلاحی و همچنین سایت سازمان کنیابخانه و مرکز اسناد ملی منتشر کرده بخش مهمی از این اسناد درباره نقش انگلیسی‌ها در جنبش مشروطه است. البته با توجه به اینکه آرشيو ملی بریتانیا اسناد را به صورت سالی نگهداری می‌کند، این اسنادی است که در میان سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۹ از کنسولگری‌های



پنجشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۰ - ۱۷ رمضان ۱۴۳۲ - ۱۸ آگوست ۲۰۱۱ - سال هشتم - شماره پیاپی ۱۳۲۲ - شماره ۳۹۹ دوره جدید - ۱۲ صفحه+۲۲ صفحه ضمیمه

کافه نظر



سلمان طاهری

salmantaheri@gmail.com



فلک الافلاک

۲۸مرداد، شش سال و هفت ماهم بود



بهمن فروتن

سرمری بی داتیس خرم آباد

۱ مطلبی در یکی از نشریه‌های آلمانی خواندم درباره حسادت. وقتی از حسادت صحبت می‌شود اکثرا یک زن، یک مرد یا یک بچه را مجسم می‌کنند که حسود است اما در مطلبی که به آن اشاره شده گرهی روان‌شناس آلمانی تحقیقات علمی خود را در مورد جوامع حسود مکتوب کرده بودند که برای شخص من بسیار جالب بود و تازگی داشت. آنها معتقد بودند که مثل انسان حسود،جوامع حسود هم وجود دارد و جامعه خودشان را یکی از اینها می‌دانستند. مثالی آورده بودند که در آلمان اگر فردی در بحث‌آزمایی برنده سه میلیون یورو شود اعلام اسم او در مطبوعات ممنوع است چون به دلیل حسادت، ممکن است در جامعه برایش مشکلاتی به وجود آید که بی‌درسر نخواهد بود، مثلا همسایه، ماشین جدید او را بخشی از مالیات‌هایی که او به دولت داده، می‌داند در حالی‌که کشورهایی وجود دارند که در آن همسایه‌ها حتی پول روی هم می‌گذارند و گل و کیبک و شیرینی می‌خرند و به دین این برنده خودش شانس می‌روند. و از صمیم قلب در خوشحالی او شریک می‌شوند. روان‌شناسان آلمانی در ادامه مطلب به این نتیجه رسیده بودند که پیشرفت عمومی در جوامع حسود به مراتب کمتر از جوامع غیر حسود است. ۲. در اطراف کرج با یکی از همکاران رفته بودیم راه برویم. در دامنه تپه‌ای، گله گوسفندی در حرکت بود. چوپانی در پی گله بود و گاه صداهایی ناآشنا که شباهتی به زبان ما و لهجه‌های موجود نداشت از خود در می‌آورد، چند سک گله هم پارس کنان این طرف و آن طرف می‌دویدند. ایستادم و به این منظره خیره شدم. مجید گفت در چه فکری؟ گفتیم: نگاه کن و به من بگو چه می‌بینی و چه می‌شنوی. مجید گفت: خب این یک گله است که صدای زنگوله‌های گوسفندهایش به گوش می‌آید، چند تا سگ که می‌دوند و پارس می‌کنند و چوپانی که با صداهای غربیی گله

دعای روز هفدهم ماه مبارک رمضان

اَللّهُمَّ اِهْدِنِي فِيهِ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَأَقِضْ لِي فِيهِ الْخَوَاتِجَ وَالْأَمَالَ يَا مَنْ لَا يَخْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّوَالِ يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ خدایا راهنمائیم کن در آن به کارهای شایسته و برآور در آن حاجات و آرزوهای مرا ای کسی که نیازی به شرح حال و درخواست نداری ای روز دانا و آگاه بدان چه در دل مردم جهانیان است درود فرست بر محمد و آل پاکش

یادمان

همچنان تنهای تنها!



سپهیل محمودی

شاعر

پس از سال‌ها نگاه خیره به تصویری از «پیرمحمداحمدآبادی» پیرمرد دلشکسته تکیه داده بر عصایش راستی را تکیه‌گاه ماست صدق بی‌ریایش در عبایی خویش را پیچیده و کنجی نشسته نه ادا با آن عبا و نه بار زین بورایش تکیه داده بر عصای خویشتن آرام، اما گردبادی تند سر بر می‌کشد از چشم‌هایش نام ما آخر نشانی از مرام ماست، هرچند اسم و رسم او یکی بودمست هم از ابتدایش بی‌گمان از خویشتن رسته‌ست و دلخسته‌ست دیگر با یقینی روشن از این تنگی تاریک جایش حاصل دنیا عطایی گاهی و گاهی لقابی چون عطایش را نمی‌خواهد، نمی‌خواهد قلیایش با هوای کیست؟ حالش چیست؟ کاین گونه رها کرد آن جهان را با جانش، این جهان را با جفایش ایستاده زیر لب با خویش می‌گوید که ای داد مرد تنها را رها کن ای جهان! تنها رهایش مثل باران است، تا اعماق قیائوس راهی‌ست در نهان ما خموشان راه می‌جوید صدایش کوه را مانند بلندایش که پوشیده‌ست گردون از سپیدی ابرهای مهربان بر تن قیایش جلودان چون آتش زرتشت، گرمای کلامش بی‌امان چون نعره سیمرغ، آوای رسایش قصه ققنوس را مانند دوام جلودانش جلوه طابوس را مانند کلام جانفزایش رسته، اما خسته از مکر و فریب نارقیقان خسته، اما رسته از بیگانه، هم از آشنایش کی به راز و رمز قهر و مهر او راهی بجویند دشمنان بی‌حیایش، دوستان بی‌وفایش بلکه مهیوت درشتی‌ها و نرمی‌های اویند دوستان بی‌وفایش، دشمنان بی‌حیایش پیرمرد از آن سوی تاریخ با لیخن تلخی طلعنه دارد می‌زند بر مدعی و مدعایش شیر در زنجیر، حتی پیر، اما شیر – آری نه! که خود زنجیر هم از عجز می‌افتد به پایش شیر را در حلقه‌ای از روبهان در کارزاری دیدهای آیتا بیا بنگر به خشم جانگزایش از پس پشت نگاه ساده او می‌توان دید موبه‌مو پیچیدگی‌هایی که دارد ماجرایش چون درختی یکه و تنها که در شب‌های توفان خم نشد هرگز به زیر بار وحشت شاه‌هایش درها بر خاک می‌غلطند پیش آسمانش قله‌های یک می‌جویند راه‌روانش چشمه‌ها آیینه در آیینه سرگردان راهش چشم‌ها تصویر در تصویر محور د پایش موجهام هنگام توفان یک‌به‌یک در التهایش سروها در زیر باران صبه‌بصف در اقتدایش کهنه‌رندی که سبو شکست و در مستی نگه داشت حرمت می را در دست از ابتدا تا انتهایش هم جرفان را به خاک افکند و هم ما را برافراشت پهلوان پیر ما با بازوی زورآزمایش شویوش را در هوای مینیش آیا شنیدی؟ قرن‌ها اندوه ما را می‌نوازد با نوایش چیست جز بالندگی تقدیر یاران صبورش نیست جز شرمندگی سهم جرفان‌دغایش در زمین و سرزمینی که به جز فریاد و بیداد نشنوی و ننگری وقتی بگری در کجایش، در فرب‌بآباد بی‌بنیاد این بیداد خانه این که تاریخ سراب است آفت جغرافیایش، در دیاری که عطش از هر کجایش می‌تراود شعله‌ها بر خاسته با دود با آن هر سرائیش، با زلالی‌های یاد او به سرشاری رسیدیم چشمه‌ای جاری‌ست، خاک تشنه سیراب از عطایش یاد او باغی‌ست با روشن چراغی در دل شب می‌توان عمری نفس زد در بهار دلگشایش در نهان آرمایش دارد چنان چون خواب دریا در عیان هم غرشی، بیداری ما با صلاحی عزلتی چون پیر کنعان، خلوتی چون بیتا‌احزان یوسفی گم کرد و پیدا کرد خود را در خدایش پیرمرد از کزدم غربت جگر آزرده، و لخن آشنایی کو نه‌د مردم به درد بی‌دوایش احمدآباد است اینجا یا که یمکان است؟ گویا فرق چندانی ندارد این و آن حال و هوایش جس می‌خواهد نفس را پس که دلنتگ است و بیزار از چنین ایام نامسعود، در زندان نایش

■ ■ ■

پیرمرد اما هنوز آن گوشه در کنج غربیی زیر چشمی، همچنان که تکیه داده بر عصایش، خیره بر ما می‌شود گاهی و گاهی با صلاحی راز می‌گوید به ما فرزندهای بی‌نوازش رازی از دیروز تاریخی، که تو امروز آنی لکه تنگی نباشی، هان پسر! زفر! برایش

■ ■ ■

همچنان تنهای تنها، پیرمرد ایستاده اما جادای در پیش رویش، کوله‌باری در قلیایش

یادنامه مهندس سحابی در «چشم‌انداز ایران»

شرق: جدیدترین شماره دوماهنامه سیاسی راهبردی چشم‌انداز ایران، ویژه تیر و مردامه هم به پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها راه پیدا کرده است. در شماره ۶۸ چشم‌انداز که ۲۴۴ صفحه دارد، سمرقاله مهندس لطفاله میمنی درباره مرحوم سحابی آغازگست، خواهری از جنس صلح با مقاله‌ای از هاله سحابی و به یاد اوست و در آثاری از دره سحابی، فاطمه گورابی و نادر قیداری را می‌توانید بخوانید. سرادری از تبار حنیف هم با یادداشتی از مرحوم هدی صابر و نوشته‌هایی از جلال یوسفی و فیروزه صابر، فصل دیگر چشم‌انداز ایران است. اما عمده مطالب این شماره به یاد مهندس باقیمت ۴۰۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.



سحابی نوشته شده و در فصلی با عنوان «هردی از جنس تمام فصول» آمده است. حمید احراری، کمال اطهری، حسین انصاری‌راد، محمد بسته‌نگار، مسعود پدرام، حبیب‌الله پیمان، محمد توسلی، هادی خلیکی، تقی شاخی، هاشم صیغیان، سعید مدنی، ابراهیم پردی... نویسنده‌گان یادنامه مهندس سحابی هستند. میرمصطفی عالی‌نسب، برچمدار اقتصادمدلی به قلم فرشاد مومنی، آموزش و پرورش در گفت‌وگو با محمدعلی نجفی و سعید کاظم اکرمی، توسعه علمی شرط بقا در گفت‌وگو با مصطفی معین دیگر مطالب این شماره چشم‌انداز هستند که باقیمت ۴۰۰۰ تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.